



Reasons for Delaying Proceedings in Criminal Matters; Factors and Solutions

Mohammadreza Motamedizadeh¹, Hamid Delir^{2*}, Mahdi Ahmadi Mousavi³

1 .Ph.D. student of criminal law and criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

2 .Assistant Professor, Department of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran: (corresponding author).

3. Assistant Professor of Law Department, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 603-620

Article history:

Received: 2 Sep 2022

Edition: 10 Nov 2022

Accepted: 9 Dec 2022

Published online: 5 Mar 2023

Keywords:

court delay, criminal, justice officials, decriminalization, decriminalization.

Corresponding Author:

Hamid Delir

Address:

Iran, Rafsanjan, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0002-7500-1641

Tel:

09123708482

Email:

Hamiddelir97@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: One of the basic problems and problems in the criminal justice system in Iran and other countries is the issue of delaying the proceedings. It is necessary to clarify the extent of its effect on criminal law by examining the issue of delay in proceedings. The purpose of this article is to investigate the causes of delay in criminal proceedings and provide solutions. The question of the article can be asked in this way: What are the causes of delay in criminal proceedings and what are the solutions to solve it? The upcoming article is descriptive and analytical, and the library method was used to examine the mentioned question.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Findings: The findings indicate that a set of human, structural and legal factors cause the delay of criminal proceedings. The level of knowledge and expertise of judges, the low number of judges and numerous criminal titles, the role of justice officers, administrative staff, the multiplicity and ambiguity in laws and litigants are some of the most important reasons.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: At the same time, adopting the policy of decriminalization and crime prevention reduces the volume of cases and thus reduces the delay of proceedings. In addition, mandatory representation in criminal cases, more use of new technologies, provision of required expert human resources and the use of methods such as arbitration play an important role in reducing the delay of criminal proceedings.

Keywords: court delay, criminal, justice officials, decriminalization, decriminalization.

Cite this article as:

Motamedizadeh M, Delir H, Ahmadi Mousavi M. Reasons for Delaying Proceedings in Criminal Matters; Factors and Solutions. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



علل اطاله دادرسی در امور کیفری؛ چرایی و راه کارها

محمدرضا معتمدی زاده^۱، حمید دلیر^{۲*}، مهدی احمدی موسوی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از معضلات و مشکلات اساسی در نظام دادرسی کیفری در امر قضا در ایران و دیگر کشورها موضوع اطاله دادرسی است. ضرورت دارد تا با بررسی موضوع اطاله دادرسی، میزان تأثیر آن بر حقوق کیفری روشن شود و با ارائه راه کارها و روش‌ها و تدوین قوانین و مقررات و نظارت بر اجرای آن روند رسیدگی به پرونده سرعت گیرد و احقاق حق به صورت عادلانه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت پذیرد. هدف مقاله حاضر بررسی دلایل اطاله دادرسی در امور کیفری و ارائه راه کارها است. سوال مقاله بدین شکل قابل طرح است که علل اطاله دادرسی در امور کیفری چیست و راه کارهای رفع آن کدام است؟

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای برای بررسی پرسش مورد اشاره استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها بیانگر این امر است که مجموعه‌ای از عوامل انسانی، ساختاری و حقوقی باعث اطاله دادرسی کیفری است. سطح دانش و تخصص قضات، تعدد کم قضات و عنوان‌های مجرمانه متعدد، نقش ظابطان دادگستری، کارکنان اداری، تعدد و ابهام در قوانین و طرفین دعوا از مهمترین این دلایل هستند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: اتخاذ سیاست کیفرزدایی و جرم‌زدایی و پیش‌گیری از جرم، باعث کاهش حجم پرونده‌ها و در نتیجه کاهش اطاله دادرسی می‌شود. علاوه بر این، وکالت اجباری در پرونده‌های کیفری، استفاده بیشتر از فناوری‌های نوین، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز و استفاده از روش‌هایی چون داوری نقش مهمی در کاهش اطاله دادرسی کیفری دارد.

کلیدواژه‌ها: اطاله دادرسی، کیفری، ظابطان دادگستری، کیفرزدایی، جرم‌زدایی.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۰۳-۶۲۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

واژگان کلیدی:

اطاله دادرسی، کیفری، ظابطان دادگستری، کیفرزدایی، جرم‌زدایی.

نویسنده مسئول:

حمید دلیر

آدرس پستی:

ایران، رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۲۳۷۰۸۴۸۲

کد ارکید:

0009-0002-7500-1641

پست الکترونیک:

Hamiddelir97@gmail.com

۱. مقدمه

مورد اشاره، ابتدا مفهوم دادرسی بررسی و در ادامه درباره دلایل اطالۀ دادرسی بحث و در نهایت راه کارها ارائه شده است.

۲. اطالۀ دادرسی

اطاله در لغت به معنای طول دادن چیزی، طول دادن امری، ادامه دادن و دراز کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۹۵: ۲۱۴۲). منظور از «اطاله» طولانی شدن نامعقول و نامتعارف جریان رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی است (دلآوری، ۱۳۷۹: ۲۱). «دادرسی» نیز مصدری مرکب از «داد» و «رسی» است. «داد» به معنای عدل، قسط و نصف و لفظ «دادرسی» به معنای عمل دادرسی، قضا، محاکمه (دهخدا، ۱۳۹۵: ۱۰۲۴۹) و همچنین به معنای رسیدگی کردن و دادخواهی کردن آمده است (عمید، ۱۳۸۱: ۱۶۱). «دادرسی» به معنی اعم آن عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد درباره تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرا تصمیمات دادگاه‌ها می‌باشد که در فقه به آن علم القضا گویند و دادرسی به معنی اخص آن مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود؛ مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده شود» (شمس، ۱۳۹۵: ۱۹).

دادرسی به معنای خاص عبارت است از: «رسیدگی به مرافعه که عبارت است از تبادل لوایح در دادرسی (عادی) و تعیین جلسات و استماع مرافعات و توضیحات و تحقیقات دادگاه در اثنای دعوا و

اطالۀ دادرسی می‌تواند اشخاص را از عواید و منافع یک دادرسی سریع و منصفانه محروم کند و نارضایتی عمومی و عدم اقبال مردم از دستگاه قضا را به دنبال داشته باشد. یکی از شرایط مهم محاکمه عادلانه قطعاً رسیدگی و صدور حکم در اسرع وقت و در کوتاه‌ترین مهلت ممکن است. در عین حال رفۀ اطاله دادرسی در پیش‌گیری از وقوع جرم، حسن جریان امور در دستگاه قضایی، پیش‌گیری از تحمیل هزینه‌های زیاد بر بیت‌المال، صرفه‌جویی در این هزینه‌ها و نیز ایجاد روحیۀ بهتر خدمت و ایجاد انگیزه در کارمندان دستگاه قضایی، احساس رضایت‌مندی مراجعان به دستگاه قضایی، جلب اعتماد عمومی و در نتیجه کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم، حفظ شایسته‌تر استقلال قوه قضائیه و قاضی، دقت در رسیدگی‌ها و غیره مؤثر است. بر همین اساس، قوه قضائیه با صدور دستورالعملی به شماره ۱۶۴۱۶/۵۸/۱ در تاریخ ۹/۷/۱۳۸۵ که در روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۵ مورخ ۹/۱۵/۱۳۸۵ منتشر شده است، طرح جامع رفع اطالۀ دادرسی در امور کیفری را به قضات سراسر کشور ابلاغ کرده است. همچنین قانون‌گذار در ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ قضات را مکلف به رسیدگی به پرونده‌ها در کوتاه‌ترین مهلت ممکن کرده است و از هر اقدامی که باعث طولانی شدن روند دادرسی می‌شود منع کرده است. با وجود این، یکی از معضلات پیش‌روی نظام قضایی اطالۀ دادرسی در امور کیفری است. همین امر بررسی دلایل و ارائه راه کارها را ضروری کرده است. سوال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که دلایل اطالۀ دادرسی چیست و راه کارهای رفع آن کدام است؟ به منظور بررسی سوال

رسیدگی به دلایل» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۴۹). طبق تعریف دیگر «دادرسی به معنای یک رشته قواعدی است که اصحاب دعوا مکلف‌اند هنگام رجوع به دادگاه‌ها آن را رعایت کنند و عبارت‌اند از قواعد تنظیم دادخواست، ابلاغ، دادرسی، صدور رأی امور اتفاقی شکایت از احکام و غیره» (صدرزاده افشار، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۷۶). در جای دیگر از دادرسی به معنای اخص چنین، گفته شده است: «رسیدگی مرجع قضایی به دعوا یا امر مطروحه، یعنی ادعاها، ادله استدلال و خواسته خواهان در جهت صدور رأی قاطع می‌باشد» (شمس، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۱۹).

در مباحث حقوقی اصطلاح «اطالۀ دادرسی»، «تطویل دادرسی» و «تأخیر دادرسی» بسیاری استعمال می‌شود. اطالۀ دادرسی در نگاه کلی به هر نوع تأخیر و فاصله زمانی از شروع تا ختم دادرسی اطلاق می‌شود. حال آنکه تحدید مفهوم اطالۀ دادرسی، تنها به این معنا صحیح نیست. زیرا در هر دادرسی حداقل زمانی ضروری است تا دادرس بتواند اسماع و ادله، شواهد و دفاعیات طرفین دعوا را بررسی کند. علاوه بر این رعایت اصول دادرسی که خود پایه و اساس دادرسی عادلانه است مستلزم صرف وقت کافی است و نمی‌توان گفت هرچه دادرسی زودتر به نتیجه برسد، دادرسی خوب و صحیح صورت گرفته است. به قول منتکیو «هرگز دستگاه عدالت آن قدر در معرض خطر قرار نخواهد گرفت که امر قضایی فوری انجام شود» (خزائی، ۱۳۷۶: ۱۴۳).

در حقوق امروزی، اغلب برای طولانی شدن غیر منطقی و نامشروع امر یا موضوعی، لفظ «اطاله» به کار می‌رود، مثل اطالۀ کلام یا اطالۀ دادرسی ولی در

غیر این موارد لفظ «تعویق» و «تأخیر» به کار می‌رود. برای مثال، ماده ۴۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد که هرگاه رأی در خصوص اشخاص متعدد صادر شده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام کرده باشند پس از گذشت مهلت اعتراض و یا تجدیدنظر یا فرجام در مورد بقیه لازم الاجرا است. البته در مواردی نیز، مثل ماده ۴۹۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنین آمده است: «عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می‌شود و به هیچ‌وجه متوقف نمی‌شود، مگر در مواردی که قانون مقرر نماید». در این ماده استعمال لفظ تأخیر به معنای طولانی شدن نامشروع صحیح به نظر نمی‌رسد و آن را باید نوعی مسامحه قانون‌گذاری تلقی کرد. بنابراین به کارگیری لفظ «اطاله» در این ماده مناسب است.

۳. علل اطالۀ دادرسی

در این قسمت علل اطالۀ دادرسی بررسی می‌شود.

۳-۱. بروکراسی اداری و صلاحیت دادگاه‌ها

بروکراسی اداری از دلایل اطالۀ دادرسی است. گاه دستورهایی که قضات در پرونده صادر می‌کنند، شرایط شکل‌گیری اطالۀ دادرسی را فراهم می‌آورد. در پرونده‌های جاری در سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌توان به پرونده‌هایی با عنوان اتهامی فرار از خدمت اشاره کرد. در این پرونده‌ها صرف اعلام نشانی از متهم در استان دیگر خواه متهم در آن آدرس

حاضر باشد یا نباشد، قاضی را ترغیب به درخواست احاله می کند و آمد و شد پرونده و عدم دسترسی به متهم زمینه ساز اطالۀ دادرسی است. در صورتی که قاضی می تواند با اعطای نیابت قضایی به آن و پس از کسب اطمینان از حضور متهم در آن استان، درخواست احاله کند و یا با اعطای نیابت به متهم اتهام انتسابی را تفهیم و با اخذ آخرین دفاع از متهم، خود مبادرت به صدور رأی کند و پرونده مربوطه را مختومه اعلام کند.

بحث صلاحیت دادگاهها نیز از دلایل اطالۀ دادرسی است. «در برخی موارد پس از ارجاع پرونده به قاضی دادسرا از سوی مقام ارجاع، علی رغم گذشت زمان انجام تحقیقات مقدماتی صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست و در نهایت صدور حکم توسط شعبۀ کیفری، رأی صادره در مرجع بالاتر تجدیدنظر به دلیل اینکه دادسرای مربوطه صالح به رسیدگی نبوده و عدم توجه قاضی دادسرا به این موضوع نقض و پرونده به مرجع صالح دیگری ارجاع می گردد» (اصغر زاده بناب، ۱۳۸۲: ۵).

«صدور یک دستور غیر مؤثر از سوی قاضی مربوطه نتیجه اطالۀ دادرسی را به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال اگر یک قاضی جهت بررسی دلایل، قرار کارشناسی صادر کند و پس از پرداخت هزینه کارشناسی و دعوت از کارشناس، نهایتاً مشخص شود که به جهت عدم تأثیر آن دلیل در دعوی، اقدامات مذکور بی فایده بوده است، این امر در فرایند طولانی شدن دادرسی تأثیر به سزایی خواهد داشت» (آخوندی، ۱۳۷۸: ۲۲۶). با توجه به اهمیت موضوع بخش نامه شماره ۱/۲۹۶۷۹ - ۱۳۵۹/۹/۱۱ - دادگستری در خصوص خودداری از نوشتن

دستورهای قضایی در حاشیه و پشت اوراق مقرر می دارد: «به طوری که ملاحظه می شود در بعضی از موارد دستورها و تصمیمات قضایی که قاعدتاً بایستی با نظم و ترتیب روی برگهای مخصوص صورت مجلس نوشته شود در حاشیه و یا پشت اوراق و بعضاً بدون قید تاریخ و ذکر نام و نام خانوادگی و سمت مقام قضایی تحریر می شود که پیدا کردن و تشخیص آن برای اصحاب دعوی و وکلای آنان و بازرسان قضایی مشکل است و در مراحل دیگر قضایی نیز سبب تضییع وقت و احیاناً اشتباه می گردد. بدین وسیله یادآور می شود که دستورها و تصمیمات قضایی باید با ذکر تاریخ و نام و نام خانوادگی و سمت مقام قضایی با وضوح بر روی برگهای صورت مجلس و یا سایر اوراق مخصوص دادگستری تنظیم و امضا گردد و حتی الامکان از نوشتن در حاشیه و پشت برگها خودداری شود و به دادسرای انتظامی قضات و اداره کل بازرسی دستور داده شد در اجرای مفاد این بخش نامه و تعقیب موارد تخلف اقدام لازم معمول دارند. لذا لازم است در این جهت تذکرات و دستورالعملها از سوی رؤسای دادگستریها به وزیر دادگستری اعلام شود و ضمانت اجراهای انضباطی و انتظامی در صورت تخلف اعمال شود».

۳-۲. تعدد کم قضات و عنوانهای مجرمانه

متعدد

تعداد کم قضات بدون تردید یکی از علل اطالۀ دادرسی است. زیرا وقتی در یک روز بیش از سه تا چهار پرونده کیفری و حتی تعداد بیشتر در نوبت رسیدگی قرار گیرد، قاضی مجال کافی برای رسیدگی

در سرعت بخشیدن به رسیدگی پرونده را دارند. اگر ضابطان در مهلت تعیین شده دستورهای قضایی صادر شده را انجام و نتیجه حاصل را به دادگاه ارائه ندهند، روند رسیدگی به پرونده سرعت عمل کمتری پیدا می‌کند و اطاله دادرسی رخ می‌دهد.

علاوه بر این، ارباب رجوع که برای رسیدگی به حقوق خود به ضابطان مراجعه می‌کند گاه با احساس نامطلوب و تشویش و اضطراب مواجه است. بی توجهی ضابطان به این امر در کنار عدم مدیریت و نداشتن تجربه، زمینه را برای درگیری ارباب رجوع، مشتکی عنه و ضابط فراهم می‌کنند (سامع، ۱۳۸۵: ۹۸).

مشکلات مالی و معیشتی ضابطان و واهمه آنها از تشکیل پرونده‌ای نزد مرجع قضایی که می‌تواند منجر به اخراج آنها از یگان و سوء سابقه برای آنها شود، از عواملی است که موجب می‌شود حتی در صورت ارتکاب جرم مشهود، مأمور در برخورد با آن اقدامی نکند.

همچنین کمیت ناکافی نیروی انسانی در یگان‌های دژبان برای انجام ابلاغ‌های قضایی و برعهده گرفتن بخشی از تحقیقات مقدماتی و دستگیری متهم شرایطی را فراهم کرده است که بازدهی ضابط برای پیاده‌سازی دستورهای قضایی مثبت نباشد. حجم وسیع دستورهای صادره از مراجع تحقیق قضایی نظامی که اغلب آنها را جرم فرار از خدمت تشکیل می‌دهد موجب می‌شود این دستورها مدت‌ها در دستور کار و بدون اقدام بماند.

استفاده از نیروهای غیر متخصص از دیگر دلایل اطاله دادرسی از ناحیه ضابطان دادگستری است. به جای

به صورت کامل و دقیق را ندارد و ناچار وقت رسیدگی دوباره تجدید و دادرسی به طور نامتعارف طولانی می‌شود. تعداد عنوان‌های مجرمانه در نظام قضایی به صورت نامتعارفی زیاد است و قانون‌گذاران در ادوار مختلف قانون‌گذاری، سعی کرده‌اند مشکلاتی را که جنبه کیفری ندارد با جرم‌انگاری و تعیین مجازات حل کنند و این خود باری بر دوش دادگستری محسوب می‌شود. در امور کیفری توان قاضی یا دادیار برای رسیدگی به پرونده‌ها بسیار محدود است (سهراب بیگ، ۱۳۸۰: ۷۳). بنابراین وقتی در یک روز به یک قاضی ۱۵ تا ۲۰ پرونده برای رسیدگی ارجاع داده شود با حجم کار بالا و اطاله وقت مواجه خواهد شد. بالا بودن عنوان‌های مجرمانه نه تنها موجب می‌شود که وقت قاضی و دادیار گرفته شود؛ بلکه موجب این است که پرونده‌های مهمی که نیاز به رسیدگی زودهنگام دارند مدت طولانی در نوبت دادرسی قرار گیرند. همچنین وقتی در یک مجتمع قضایی چند شعبه دادگاه وجود داشته باشد و پرونده‌های اصطلاحاً همراه‌دار پرونده‌های روزانه همراه با متهم فقط به یک شعبه ارجاع شود و دیگر قضات به دلایل مختلف از قبول پرونده امتناع ورزند، بار پرونده‌ها بر دوش یک شعبه خواهد بود و قاضی شعبه در رسیدگی به پرونده‌های ارجاعی در یک روز با مشکل مواجه خواهد شد و فرصت رسیدگی به پرونده‌های تعیین وقت شده کافی نخواهد بود و سبب تجدید وقت رسیدگی می‌شود.

۳-۳. نقش ضابطان قضایی

ضابطان، مأموران ویژه قضات در روند رسیدگی و گردآوری مدارک و مستندات هستند و نقش به‌سزایی

یکی از مهم ترین و مؤثرترین اقداماتی که ممکن است بر روند دادرسی و نتیجه آن تأثیر زیادی بگذارد کشف علمی جرائم و ضبط آثار آن است. به دلیل تخصصی و فنی بودن این مهم اغلب، افرادی تحت عنوان پلیس علمی که آموزش های فراوان و خاصی در این زمینه دیده اند، متصدی انجام اعمال مربوطه هستند. این اشخاص علاوه بر دانش و تجربه کافی، صبور، واقع بین، بی طرف، دقیق، حساس و منضبط نیز باید باشند (اسوانس و همکاران، ۱۳۷۵: ۷۵-۷۴).

پیش از این، در نظام قضایی کشورمان اشخاصی بودند که شغل و حرفه خود را تحت عنوان پلیس قضایی، بر انجام امور فوق متمرکز کرده بودند؛ ولی متأسفانه پس از تشکیل نیروی انتظامی این نیروی ارزشمند و مفید منحل شد و در نیروی انتظامی ادغام شد. از آن زمان به بعد دیگر هیچ شخص خاصی متصدی انجام امور فوق نشد؛ بلکه هر فردی حسب ارجاع به انجام امور مذکور اقدام می کند. نتیجه این روند انجام تحقیقات ناقص مبهم و طولانی خواهد بود، کشف جرائم با تعلل و کندی فراوان صورت می گیرد و پس از آن نیز رسیدگی به پرونده های مربوط با تأخیر و کندی فراوان انجام می شود که اطالۀ دادرسی یکی از نتایج آن خواهد بود.

۳-۴. کارمندان قضایی

عملکرد کارمندان دادگستری می تواند یکی از دلایل اطالۀ دادرسی باشد. در مواردی کادر اداری به خصوص مدیر دفتر در ثبت دقیق لوایح اعتراض ها درخواست ها و دادخواست های تجدیدنظر و غیره و اقدامات لازم برای به جریان انداختن آن ها نظیر

استفاده از نیروهای باتجربه و آموزش دیده برای انجام دستورهای قضایی به دلیل بی توجهی به این نوع امور، کلانتری ها اغلب سربازان وظیفه و نیروهای بی تجربه و آموزش ندیده خود را مأمور تحقیق و انجام دستورهای قضایی می کنند. برای مثال جابه جایی متهمان تحت نظر را به این گونه افراد می سپارند که در مواردی با فرار متهم فرآیند دادرسی ماه ها و سال ها تا دستگیری دوباره متهم به طول می کشد. استفاده از سرباز وظیفه در ماهیت شکلی و ذاتی کارکردی خود نقش مهمی در روند رسیدگی ها دارد. فعالیت سربازان ولو اینکه به نقل و انتقال متهمان محدود شود نقش به سزایی در کاهش فعالیت نیروهای کادر یا اداری دارد. نیروهای غیر متخصص به ویژه سرباز وظیفه از قوانین و مقررات، آموزشی دریافت نکرده است و اغلب انگیزه ای برای انجام با دقت کار محول شده ندارند.

علاوه بر این، ضابطان بازوی اجرایی نظام قضایی کشور هستند که موظف به اجرای سریع و صحیح دستورهای قضایی هستند. ولی در عمل به دلایل مختلف به عمد یا سهو از اجرای دستور قضایی سرباز می زنند و موجبات اطالۀ دادرسی را فراهم می کنند. طبق تبصره ماده ۶۳۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواردی که به تشخیص دادستان نظامی یا رئیس سازمان قضایی، برای پیش گیری از وقوع جرم آموزش ضروری باشد به میزان لازم اطلاعات مربوط به احکام و فرآیند رسیدگی به جرم در اختیار یگان ها قرار می گیرد. نقش آموزش و بازآموزی ضابطان نظامی در راستای تمکین از دستورهای قضایی و توجه به ضمانت اجراهای مرتبط با آن، نقش مهمی در رفع اطالۀ دادرسی دارد.

پرونده پیش از ارجاع آن به کلانتری‌ها برای انجام تحقیقات؛ زیرا، بارها پرونده و یا اوراق مندرج در آن به دلیل بی‌نظمی گم شده است (رمضانی، ۱۳۸۹: ۲۵). برای پیش‌گیری از این رخداد بهتر است یک نظام مستندسازی و تهیه نسخه‌های پشتیبان از پرونده‌ها و همچنین تبیین یک سیستم کارآمد برای نقل و انتقال پرونده‌ها در محدوده داخلی داخل حوزه قضایی و خارجی خارج از حوزه قضایی در دستور کار دادگاه‌ها قرار گیرد.

۳-۵. کثرت، تنوع و ابهام در قوانین

تصویب قوانین بدون رعایت مقررات مربوط به قانون‌گذاری از دلایل مربوط به تأثیر قوانین بر اطالۀ دادرسی کیفری است. قوانینی که در دو دهه گذشته به تصویب رسیده است نشان می‌دهد که بر اثر ناهماهنگی‌ها و تعجیل در تنظیم لوایح قانونی، حقوق و تکالیف مردم ناشی از این قوانین دست‌خوش تزلزل و در معرض تفسیرهای مختلف واقع شده است (سامع، ۱۳۸۵: ۹). بنابراین می‌طلبید در تصویب قوانین ضمن انجام تحقیقات از سوی اهل فن، کار کارشناسی شود تا از تصویب قوانین غیر مؤثر و دست‌وپا گیر که نتیجه‌ای جز اطالۀ دادرسی ندارند پیش‌گیری شود.

کثرت و تنوع قوانین و مقررات از دیگر دلایل اطالۀ دادرسی کیفری است. با توجه به کثرت و تنوع قوانین تصویب‌نامه‌ها آئین‌نامه‌ها و آرای وحدت رویه در کتب قطور مانند: مجموع قوانین سالانه، مجموعه قوانین جزایی، حقوقی، خانواده، اراضی، ثبتی، شهری، کار و بیمه، آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور در امور

تنظیم و تدارک پرونده تجدیدنظر برای ارسال به مراجع ذی‌ربط کوتاهی می‌کنند (رمضانی، ۱۳۸۹: ۵۵). در این زمینه باید بی‌دقتی مدیران دفاتر را به- هنگام تحویل اسناد و مدارک و دیگر اوراق مربوط نیز اضافه کرد. کوتاهی کادر دفتری در تنظیم صحیح اوراق و شماره‌گذاری آن‌ها در مواردی باعث می‌شود که یک برگ کوچک در پرونده به‌خصوص پرونده‌های قطور و پیچیده پیدا نشود و به دنبال آن جلسه رسیدگی به هم بخورد و تجدید شود. درحالی‌که با کمی دقت و حوصله در تنظیم اصولی و منظم اوراق می‌توان مانع از چنین اتفاقی شد.

در مواردی، کوتاهی در اجرای سریع و به‌موقع دستورها از سوی کارمندان شعبه ممکن است منجر به طولانی شدن دادرسی شود. توضیح اینکه کادر دفتری به بهانه‌های مختلف نظیر شلوغی و تراکم کار اجرای دستوهای دادگاه را به تأخیر می‌اندازند (سهراب‌بیگ، ۱۳۸۰: ۷۳). همچنین کادر دفتر با تأخیر در ارسال پرونده‌های مختومه به واحد اجرای احکام، تأخیر در ارسال پرونده به مرجع تجدیدنظر، تأخیر در ارسال دادنامه و پرونده به واحد تایپ و تکثیر برای تایپ دادنامه صادره، تأخیر در ابلاغ دادنامه پس از تنظیم آن، تأخیر در صدور اجرائیه بعد از قطعیت حکم و نیز تأخیر در ارسال پاسخ استعلامات یا پرونده‌های خواسته‌شده توسط سایر محاکم و دیگر موارد مشابه باعث طولانی شدن فرآیند دادرسی بین یک تا شش ماه می‌شوند.

گاهی پرونده‌ای در دادگاه به‌طور موقت و یا حتی برای همیشه مفقود و یا برگه‌هایی از آن گم می‌شود. این امر بیشتر ناشی از کوتاهی کادر دفتری در ثبت سوابق و سرنوشت پرونده است. به‌خصوص عدم ثبت

متأسفانه در کشور ما آمار بالای تصویب قوانین و مقررات هشداری دربارهٔ ضریب پایین کنترل کیفی در مرحلهٔ تصویب قوانین و مقررات جاری کشور است. وجود پاره‌ای از قوانین و مقررات و آرای وحدت رویهٔ منسوخ و متروک را که تنفیح نشده‌اند باید به مشکل کثرت و تنوع قوانین و مقررات افزود. با توجه به اینکه در کشور ما قاضی حق تفسیر قانون عادی را دارد و می‌تواند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌هایی که آن‌ها را خلاف قوانین و مقررات اسلام یا خارج از حدود اختیارات قوهٔ مجریه تشخیص دهد، خودداری کند این امر موجبات اطالۀ دادرسی یا صدور آرای متفاوت در موارد مشابه به-استناد قوانین مختلف ناسخ و در نتیجه تأیید و نقض بعضی از آرا در مرجع بالاتر را به‌دنبال خواهد داشت. قانون‌گذار در زمان تصویب قانون باید موقعیت و محل هر مقررات را در داخل قوانین سابق روشن و مشخص کند. به‌عبارت دیگر آنان هنگام تدوین و تنظیم قانون باید بگویند چه ماده‌ای فصل یا عنوان از چه قانون را نسخ یا تغییر می‌دهند (بیگزاده آروق، ۱۳۸۲: ۸۹). علاوه بر این، بعضی از قوانین و مقررات نارسا ناقص یا مبهم هستند و قاضی در پیچ‌وخم این قوانین به‌راحتی نمی‌تواند دادرسی کند. در نتیجه بستر اطالۀ دادرسی فراهم می‌شود. چنانچه در تدوین و تهیه متون قانون، اصول و مبانی علمی و اوضاع و احوال جامعه در نظر گرفته نشود قوانین ناکارشناسانهٔ ناقص و مبهم و متعارض با یکدیگر بروز خواهد کرد؛ به‌نحوی که مدتی بعد قانون‌گذار مجبور به اعمال اصلاحات و یا نسخ آن‌ها در تصویب قوانین دیگر می‌شود. این وضعیت تغییرات مکرر و پیاپی قوانین و

مدنی و کیفری، آرای وحدت رویهٔ دیوان عدالت اداری، نظریات ادارهٔ حقوق و غیره، تسلط قاضی را بر همهٔ قوانین و مقررات ناممکن کرده است. بدین-ترتیب قاضی باید وقت زیادی را صرف پیدایش قانون در خصوص موضوع پرونده کند که باعث طولانی شدن رسیدگی خواهد شد.

امروزه کثرت متن‌های قانونی و مقررات عمومی به-حدی رسیده است که به اصل قدیمی (جهل به قانون رافع مسئولیت نیست) با اشکال و سختی می‌توان استناد کرد. زیرا نه تنها مردم عادی از وجود بسیاری از قوانین بی‌اطلاع هستند؛ بلکه خواص و اصحاب قانون نیز در اطلاع یافتن از قانون و محتوا و حتی عنوان‌های همهٔ قوانین با مشکل مواجه‌اند که یکی از اصحاب قانون، قضات هستند. تنوع جرم در قوانین کیفری و گسترش جرم‌انگاری تقنینی انعکاس شدیدی بر روی تراکم و تنگناهای کار کیفری در دادگستری دارد. امروزه یکی از مسائلی که مانع تسریع در رسیدگی می‌شود، افزونی و انبوهی جرائم در قانون مجازات است که از آن به تورم جرائم یا تورم قوانین کیفری تعبیر می‌شود (خزائی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۳-۱۰۴). جرم‌انگاری یا جرم تلقی کردن یک فعل یا ترک فعل فرایندی است که به‌وسیلهٔ آن رفتارهای جدید به‌موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا می‌شود. هر قدر دامنهٔ این قوانین تحت فشار افکار عمومی گسترده‌تر شود مجرمان بیشتری نیز به‌وجود می‌آورد (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۱: ۷۶-۷۷).

قوانین و مقررات در هر جامعه به‌منظور قاعده‌مند کردن رفتارها و اقدامات اشخاص حقیقی و حقوقی، اعم از دولتی و غیر دولتی تنظیم و تصویب می‌شوند.

به دنبال آن آشفتگی مجریان از جمله قوه قضائیه را به دنبال خواهد داشت.

۳-۶. نقش طرفین دعوا در اطالۀ دادرسی

شاکی و متهم در صورتی که در ادعا و دفاع از حقوق خود مدارک و مستندات مربوط را به طور کامل ارائه نکنند و یا از گفتن حقایق اجتناب ورزند و قصد مخفی کردن حقیقت را داشته باشند؛ به طوری که قاضی نتواند تصمیمی اتخاذ کند و نیاز به استعلام از مراجع ذی ربط پیش آید، وقت رسیدگی مجدد باید تعیین شود و هر جلسه تجدید وقت یعنی اطالۀ دادرسی در پرونده. طرفین پرونده باید مدارک و مستندات خود را هنگام تنظیم شکایت تقدیم کنند تا دادستانی که دستور به تعقیب و تحقیق صادر می کند و بازپرسی که تحقیقات مقدماتی را شروع کرده است بداند از چه مسیری باید شروع کند تا به نتیجه ای مطلوب و در سریع ترین زمان ممکن برسد.

گاه حجم بالای پرونده ها در شعب تحقیق و رسیدگی باعث شده است تا پرونده هایی مهم تر روی کار بیاید و موجب تعویق کار پرونده هایی دیگر شود. در این حالت، طرفین پرونده به خصوص شاکی با پی گیری شکایت خود و مطالبۀ نتیجه اقدامات از شعبۀ مربوطه می تواند سبب شود تا پرونده به جریان درآید و مورد رسیدگی قرار بگیرد که این امر باعث خواهد شد تا از اطالۀ دادرسی پیش گیری شود.

دربارۀ احکام و آرای صادره از شعب رسیدگی در دادگاه ها با توجه به سامانۀ ابلاغ الکترونیکی که به کمک مجامع قضایی آمده است، اگر شاکی و یا متهم با دریافت پیامک سامانۀ ابلاغ به رؤیت سریع و

به موقع رأی صادره اقدام کند و در صورتی که اعتراضی داشته باشد در کمترین زمان ممکن باید به ثبت اعتراض و تجدیدنظرخواهی اقدام کند پرونده مربوط به جای ۲۰ روز انتظار تا پایان مهلت تجدیدنظرخواهی در زمان کمتری به دادگاه تجدیدنظر و یا در صورت نداشتن اعتراض به شعبۀ اجرای احکام کیفری ارسال خواهد شد و احقاق حق طرفین میسر خواهد بود.

همان طور که در نقش و در کاهش اطالۀ دادرسی بیان شد، اگر طرفین دعوایی که اطلاعات و سواد حقوق کافی ندارند به اختیار کردن وکیل اقدام کنند و امورات خود را از ابتدا تا ختم دادرسی و مختومه شدن پرونده به وکیل واگذار کنند، کمک زیادی در سرعت بخشیدن به رسیدگی به پرونده خواهند داشت و مطمئناً نتیجۀ مطلوب تری حاصل خواهند کرد.

۴. راه کارها

در این قسمت راه کارهای کاهش اطالۀ دادرسی بررسی می شود.

۴-۱. به کارگیری سیاست کیفرزدایی و جرم-

زدایی

کیفرزدایی یعنی زدودن ضمانت اجرای کیفری از پرونده های مجرمانه یا موزون ساختن جرم و پاسخ آن. کیفرزدایی را یکی از استراتژی های عقب نشینی حقوق جزائیان کرده اند که بیش از جرم زدایی مورد توجه دست اندرکاران عدالت کیفری قرار گرفته است (سامع، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

شیوه‌های گوناگون مؤاخذهٔ پلیس، میانجی‌گری، مصالحه و ... صورت می‌گیرد. در حقیقت قضا‌زدایی مفهومی ایدئولوژیک است که بر منحصر نبودن صلاحیت دستگاه قضایی در مبارزه با تبه‌کاری مبتنی است. توسل به این روش به‌صورت غیر رسمی و از راه اعمال اختیارات اداری در جریان رسیدگی به پرونده و نیز با پیاده کردن طرح‌های رسمی صورت می‌گیرد».

این روش برمی‌گردد به نقش مقامات و مراجع قضایی، در واقع مقامات قضایی به‌خصوص دادسرا که بیشترین نقش را در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی جرم دارد می‌توانند با استفاده از اهرم‌های قانونی که قانون‌گذار تجویز کرده است، در همان ابتدای کار برای کاهش آمار ورودی پرونده‌ها به محاکم قضایی گام بردارند. حتی در مواردی که در خصوص اتهام شخصی بنا به دلایلی نشود پرونده را مختومه کرد دادستان می‌تواند ضمن صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست با درخواست تخفیف مجازات و یا تعلیق اجرای مجازات برای فردی کردن قضایی مجازات‌ها بهره‌برداری کند. دادسرا همان‌گونه که در عمل بسیار متداول است، وقتی تنها عناصر خاص از عمل قابل مجازات را ملحوظ می‌کند و سایر عناصر را نادیده می‌گیرد، این عمل منجر به جنبه‌ای شدن اعمال می‌شود که در واقع از سوی قانون‌گذار جنایت تلقی شده‌اند. برای مثال سرقت توأم با کیفیات مشدده به‌عنوان سرقت ساده و یا شروع به قتل به‌عنوان ایراد ضرب‌وجرح مورد تعقیب قرار می‌گیرد (دلآوری، ۱۳۷۹: ۶). یکی دیگر از مصادیق سیاست کیفرزدایی قضایی تعلیق اجرای مجازات است که قضات محاکم کیفری در زمان صدور حکم

در اینجا منظور این نیست که خاصیت جرم بودن عملی را از آن سلب کنیم؛ بلکه هدف آن است که اگر چنین تعبیری صحیح باشد، آن را موزون سازیم. مارک آنسل که خود یکی از پرچم‌داران جنبش دفاع اجتماعی نوین است، مفهوم کیفرزدایی را در حصارهای واژهٔ شناس‌نامهٔ آن محصور نمی‌کند؛ بلکه به زیباترین وجه آن را موزون‌سازی واکنش اتخاذشده به‌دنبال پدیدهٔ مجرمان می‌شناساند (آنسل، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲). در دهه‌های اخیر با تحول دیدگاه‌ها تصور جرم بدون مجازات هم ممکن شده است. در چارچوب سیاست جنایی نوین مجازات با واکنش‌های کیفری تنها یکی از گونه‌های پاسخ به پدیدهٔ مجرمانه به‌شمار می‌روند. به همین دلیل، زمانی که استراتژی عقب‌نشینی حقوق جزا در قالب سلب مجازات از رفتاری که عنوان مجرمانه‌اش حفظ شده است صورت می‌پذیرد از واژهٔ کیفرزدایی استفاده می‌شود. تخفیف یا تعدیل مجازات کیفرزدایی نسبی و پاسخ اداری یا درمانی به‌جای کیفر، کیفرزدایی مطلق است. بنابراین زمانی که از شدت مجازات بکاهیم و یا خاصیت کیفری مجازات را از آن سلب کنیم می‌توان از کیفرزدایی سخن گفت (اکرمی، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲).

کیفرزدایی ممکن است به‌صورت کیفرزدایی قضایی باشد. به‌لحاظ اصطلاحی قضا‌زدایی عبارت است از سازوکاری که برای محدود کردن صلاحیت‌های دستگاه قضایی به‌نفع دیگر نهادها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌شود. بنابراین، برخی در تعریف قضا‌زدایی گفته‌اند: «قضا‌زدایی عبارت از خروج عملیات مربوط به رسیدگی و قطع و فصل دعاوی ناشی از جرم کیفری از مدار عدالت کیفری است که معمولاً در صلاحیت مقامات قضایی است و به

«جرم‌زدایی با هدف جلوگیری از افزایش شمار رفتارهای مجرمانه و برای کاستن از خطر تورم کیفری توجیه می‌شود. افزایش جرائم در قوانین، گذشته از بالا بردن احتمال ایجاد قوانین ناکارآمد، حتی ممکن است به جرم‌زایی قوانین نیز بینجامد. از مهم‌ترین آثار جرم‌زدایی تقلیل پرونده‌های کیفری در دستگاه قضایی است که در نتیجه باعث کاهش پرونده‌ها و مراجعین به دستگاه قضایی می‌شود و زمینه برای رسیدگی به مسائل مهم فراهم می‌شود و همچنین سبب خواهد شد که میزان کار ارجاعی به هر قاضی متناسب با توان او شود و بالتبع دادرسی‌ها در مهلت مناسب و معقولی به پایان برسد» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

توجه ویژه به اصلاح مجرمان، عدم توجه جدی مسئولان ذی‌ربط به اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمان و محکومان، به‌نوبه خود باعث ارتکاب جرائم مجدد توسط این افراد، افزایش جرائم، و در نتیجه افزایش و تراکم دعاوی در محاکم می‌شود که غیر مستقیم در اطلاع دادرسی تأثیر به‌سزایی دارد.

ماده ۱ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ مقرر می‌دارد: «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمانی است مستقل به‌طور مستقیم زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه می‌نماید و به‌اختصار در این آئین‌نامه سازمان نامیده می‌شود» و در ادامه در ماده ۳ آئین‌نامه مذکور مقرر می‌دارد: «زندان محلی است که در آن محکومیت قطعی با معرفی مقامات ذی‌صلاح قضایی و قانونی برای مدت معین به‌طور دائم به‌منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفری نگهداری می‌شوند».

با معلق کردن اجرای مجازات، در کاهش اطلاع دادرسی در اجرای احکام کیفری نقش ایفا می‌کنند. قاضی کیفری در این تدبیر اختیار دارد تا اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط مقرر در قانون به‌مدت یک تا پنج سال معلق کند.

کیفرزدایی ممکن است به‌صورت قانونی انجام شود. در این روش همان مرجعی که قانون را وضع کرد می‌تواند اقدام به موزون‌سازی ضمانت اجرای کیفری کند. به این شکل که با احصای جرائم بی‌شماری در زمره جرائم قابل گذشت نقش شاکی بزه‌دیده را در جریان دادرسی پررنگ کند تا چنانچه در مراحل تحقیقات یا رسیدگی به جرم زیان‌دیده از شکایت خود پشیمان شد و اعلام رضایت کرد، پرونده مطروحه از چرخه رسیدگی خارج شود. در این روش برعکس روش اول این قانون است که نقش بیشتری ایفا می‌کند. بنابراین با ارائه راه‌کارهایی همچون کیفیات مخففة قانونی و کیفیات مخففة قضایی درباره مجازات و یا تبدیل مجازات می‌توان به نتیجه مورد نظر که همان کیفرزدایی قانونی است دست پیدا کرد. برای مثال قانون‌گذار می‌تواند با حذف مجازات‌های تبعی در کنار مجازات‌های اصلی و یا تکلیف قاضی به اعمال کیفیات مخففة قانونی در بعضی از جرائم خاص و کم‌اهمیت و ... دست قضات دادسرا و محاکم کیفری در اتخاذ تصمیم مناسب به‌منظور زودتر مختومه نمودن پرونده‌ها را باز گذارد. سیاست جرم‌زدایی نیز تأثیر به‌سزایی در کاهش حجم پرونده‌ها و در نتیجه کاهش اطلاع دادرسی دارد. «جرم‌زدایی در معنای دقیق کلمه یعنی زدودن برچسب و عنوان مجرمانه از یک عمل یا یک رفتار» (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۷).

همان ابتدای تحت نظر قرار گرفتن می تواند با توجه به حضور وکیل دعوا را از همان ابتدا در مسیر درست خود هدایت کند و از ورود عوامل اطاله‌زا پیش‌گیری شود. اتخاذ سیاست الزامی کردن وکالت در همهٔ دعای کیفری برای کاهش اطالۀ دادرسی کیفری که در این خصوص برخی کشورهای توسعه‌یافته از جمله کانادا بهره گرفته‌اند، مسئله‌ای است که ما نیز می‌توانیم از تجربهٔ این کشورها در این زمینه استفاده کنیم و روند رسیدگی‌ها را سرعت بخشیم. البته هم‌اکنون نیز در قانون ا د ک مواد ۴۱۵ و ۳۸۴ تعیین وکیل را در برخی جرائم الزامی و اعلام کرده‌اند در صورت تعیین نشدن وکیل توسط متهمان این جرائم، دادگاه برای آن‌ها وکیل تسخیری معین خواهد کرد. در این مواد تا حدودی در زمینهٔ اتخاذ همین سیاست الزامی کردن وکالت گام‌هایی را برداشته‌اند. از سوی دیگر مادهٔ ۳۸۶ بیان می‌دارد که در صورت تعدد وکلای اصحاب دعوی حضور یکی از آنان برای رسیدگی کافی است که این امر نیز به یقین می‌تواند نقشی هرچند کوچک را در زمینهٔ کاهش اطالۀ دادرسی کیفری ایفا کند.

حضور وکیل می‌تواند منجر به تسریع انجام مراحل مختلف دادرسی و پیش‌گیری اطالۀ دادرسی شود. در واقع توجه ویژهٔ قوهٔ قضائیه به اهمیت حضور وکیل در پرونده‌ها به منظور هدایت صحیح جریان دادرسی و پیش‌گیری از طولانی‌تر شدن رسیدگی به پرونده‌ها، باعث الزام مردم به استفاده از وکلای دادگستری در پی‌گیری دعاوی خود در دادگستری شده است که استفاده از خدمات وکلای دادگستری خود از مهم‌ترین عوامل رفع اطالۀ دادرسی محسوب می‌شود.

ملاحظه می‌شود هدف از تأسیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و کیفر زندان از نظر تدوین‌کنندگان این آئین‌نامه اصلاح و درمان بزه‌کار و در نتیجه پیش‌گیری از وقوع جرم از طریق شناسایی علل و عوامل جرم‌زا و به‌کارگیری روش‌های اصلاحی و درمانی متناسب با علل و عوامل جرم‌زا است تا بزه‌کاران زندانی دوباره وارد صحنهٔ بزه‌کاری نشوند.

۴-۲. الزامی کردن استفاده از وکیل

یکی از حقوقی که از قدیم‌الایام مطرح بوده است و در دهه‌های اخیر با رواج فرهنگ حقوق بشر بیشتر مطرح شده است حق برخورداری از وکیل است. امروزه به دلیل پیچیدگی امور اجتماعی قوانین و مقررات نیز به تبع آن پیچیده شده است که نتیجهٔ عملی این امر، ناآشنایی کافی شهروندان جامعه با مقررات و به تبع آن ناتوانی برای دفاع از خود در محاکم دادگستری است. مداخلهٔ وکیل برای دفاع از حقوق نه‌تنها در راستای دفاع از حقوق فردی اصحاب دعوی تلقی می‌شود، بلکه گاهی در راستای دفاع از منافع جامعه از طریق فرایند دادرسی مبتنی بر نظم و انضباط است (رستمی غازی، ۱۳۹۲: ۶۵).

در قوانین ما نیز به نقش وکیل در دادرسی‌ها توجه شده است؛ از جمله فصل دوم دستورالعمل شمارهٔ ۱ طرح جامع رفع اطالۀ دادرسی که نقش وکلا را مورد توجه قرار داده است. همچنین مادهٔ ۴۸ ق ا د ک مصوب ۱۳۹۲ نیز اعلام می‌دارد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید...». شناخته شدن چنین حقی برای متهم در

۳-۴. نقش سامانه‌های الکترونیکی و دادرسی الکترونیکی بر کاهش اطاله دادرسی

در قانون آئین دادرسی کیفری در مواد ۶۴۹ الی ۶۶۳ قانون‌گذار در این خصوص صراحت بیان داشته است و شیوه‌ای نوین را در بر گرفته است تا با اجرای درست آن از امکانات الکترونیکی بهره جوید و روند رسیدگی به پرونده را با سرعت بیشتری میسر کند. دفاتر خدمات الکترونیک قضایی در همین راستا فعال شده‌اند تا هم بخشی از تصدی‌گری‌ها از دوش دادگستری‌ها برداشته شود و هم کارها با سرعت بیشتری پی‌گیری شوند. تشکیل این دفاتر خدماتی از جمله اقدامات مهم و مؤثر دستگاه قضایی در راستای کاهش اطاله دادرسی به‌شمار می‌رود. باید اذعان کرد که دادرسی و رسیدگی به دعاوی و جرائم یکی از ارکان مهم و حاکمیتی در جوامع امروزی است. بنابراین ارائه این خدمات به‌صورت الکترونیکی نیز از اهمیت ویژه‌ای در جامعه نسبتاً مدرن امروزی برخوردار است.

۴-۴. تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز

در قوه قضائیه کارها عموماً با عوامل انسانی صورت می‌گیرد و از جایگزینی نیروی انسانی با ابزارآلات تکنولوژی بهره کمی می‌توان برد. در قوه قضائیه مهم‌ترین وظیفه برعهده نیروی انسانی است. در نتیجه ضروری است که قضات از اطلاعات جامع حقوقی و فقهی برخوردار باشند. اهمیت تخصصی شدن رسیدگی‌های قاضی، امروزه در قالب یک ضرورت در نزد مسئولان امر مورد توجه قرار گرفته است. به‌منظور نیل به اهداف قضایی و مأموریت‌ها و

راه‌بردهای این نظام، خطی مشی‌ها و سیاست‌های کلان در بخش امنیت قضایی، در بند ۱۷ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب و تأیید رسیده است. در بند ۱۰ این سیاست‌ها به ضرورت بالا بردن سطح علمی و مراکز آموزش حقوقی متناسب با نظام قضایی کشور، بالا بردن دانش حقوقی قضات و تقویت امور پژوهشی قوه قضائیه توجه شده است. همچنین یکی از بهترین اقدامات صورت گرفته در این زمینه در سال‌های اخیر طرح سیستم خبره قضایی است. این طرح عبارت است از تسهیلاتی متشکل از پایگاه دانش و نظام استنتاج و قواعد کنترلی که همانند فرد خبره عمل می‌کند. نمونه این طرح در سال ۱۳۸۳ درباره جرم سرقت به پایان رسید. در این سیستم، ۱۸۹ ماده پراکنده مربوط به سرقت در قوانین مختلف گردآوری شده است. این سیستم ابتدا، صلاحیت دادگاه و سپس به بحث‌های مربوط به حکم و دلایل اثبات آن و مواد عمومی مانند تخفیف و تشدید را بررسی می‌کند و در نهایت حکم پیشنهادی را استنتاج می‌کند. اگرچه سیستم مذکور به دلیل نبود امکان اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها، قادر به صدور احکام بی‌نقص نیست، اما گام مؤثری در دسترسی قاضی به قانون لازم‌الاجرا در شرایط متشتت قانون‌گذاری فعلی است.

۴-۵. تقویت نهادهای داوری

افزایش مشارکت اجتماعی و بهره‌گیری از توان نهادهای مدنی عامل مهمی در کاهش مراجعات به مراجع دادگستری است. نتیجه این بحث در بارزترین نمود خود منجر به پی‌ریزی یک «عدالت کیفری مشارکتی» در رسیدگی به پدیده مجرمانه می‌شود

کافی دانسته است و دادگاه را مکلف به اقدام در این خصوص کرده است.

۴-۶. پیش گیری از وقوع جرم

با توجه به گستردگی حوزه های قضایی قوه قضائیه و مرتبط بودن جرائم ارتكابی هر حوزه قضایی با عوامل محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن منطقه، به این تعبیر که ممکن است یک یا چند جرم به صورت جرائم خاص با توجه به فراهم بودن بستر زمینه ارتكاب آن مختص یک منطقه (حوزه قضایی) باشد؛ درحالی که در منطقه دیگر جرائم ارتكابی متفاوت از جرائم دیگر مناطق باشد، با یک پیش گیری کلی نمی توان به اهداف مورد نظر در هر حوزه قضایی دست یافت. بنابراین لازم است در هر حوزه قضایی با تشکیل ستاد پیش گیری از وقوع جرم در زمینه راه کارهای پیش گیری از وقوع جرائم مبتلابه، اتخاذ تصمیم شود که بالتبع نتیجه بهتری خواهد داشت.

پیش گیری از بزه کاری از یک منظر به دو گونه «پیش گیری پیشینی» و «پیش گیری پسینی» دسته بندی می شود. پیش گیری پیشینی که ماهیت کنشی دارد در بر گیرنده آن دسته از اقدام هایی است که پیش از وقوع جرم به منظور پیش گیری از بزه کاری نخستین اعمال می شود. پیش گیری پسینی که از نظر ذاتی اقدامی واکنشی است، «شامل اقدام هایی است که پس از ارتكاب جرم برای پیش گیری از بزه کاری دوباره افراد اعمال می شود. به دیگر سخن این گونه پیش گیری با استفاده از سازوکارهای دستگاه عدالت

که سبب مداخلۀ فعال بزه دیده و بزه کار در امر حل و فصل خصومت می شود. در سیاست جنایی مشارکتی نقش فعال طرفین دعوی برای دستیابی به یک راه حل مصالحه جویانه اهمیت بیشتری دارد تا مداخلۀ یک جانبه قاضی. در این رویکرد بر تأثیر جامعه محلی، نهادهای عرفی خویشان و سایر نهادهای جامعه برای حل و فصل و رسیدگی اختلاف تأکید می شود. علاوه بر این، بزه کار از نتایج عمل خود به ویژه خسارات روانی و عاطفی که ایجاد کرده است، مطلع می شود و در رفع و ترمیم آن داوطلبانه شرکت می کند (بیگز زاده آروق، ۱۳۸۲: ۸۹).

البته توجه به این رویکرد در برنامه پنجم توسعه قضایی قابل مشاهده است. در ماده ۲۱۱ این برنامه که در برنامه اصلاحات نظام قضایی ایران از آن، برنامه ای برای اعتمادسازی عمومی و تحقق عدالت معرفی شده است، به سیاست های زندان زدایی و قضازدایی با رویکرد مشارکت مردم توجه شده است. زیرا مشارکت مردمی امکان حل و فصل بسیاری از اختلافات را بدون نیاز به رسیدگی های قضایی فراهم می آورد. همچنین در گفتمان برنامه جامع و عملیاتی پنج ساله دوم توسعه قضایی به نقش مردم و مشارکت فعال آنان در رسیدگی ها اهمیت فراوان داده شده است و این امور یکی از اهداف کلان در این برنامه معرفی شده است. در نظام حقوقی ایران، جلوه عینی نهادهای داوری را می توان در تشکیل شوراهای حل اختلاف مشاهده کرد. همچنین ارجاع امر به داوری علی الاصول اختیاری، یعنی مبتنی بر توافق طرفین است. در عین حال در بعضی موارد قانون گذار درخواست یکی از طرفین در ارجاع امر به داوری را

دوم پرسش مقاله که از راه‌کارها سوال شده است، نتایج بیانگر این امر است که تدوین قانون و یا اصلاح قوانین موجود که گاه سد راهی برای سرعت بخشیدن به رسیدگی‌ها هستند، کمک زیادی در پیش‌گیری از اطالۀ دادرسی خواهد داشت. بهره‌گیری از فناوری‌های الکترونیک راه‌حل خوبی برای تسریع در ثبت شکایات و اعتراضات و پی‌گیری وضعیت پرونده‌ها است. بعضی از اقداماتی که اشخاص مرتبط با دادگستری انجام می‌دهند نیز در همین راه‌کارهای اداری نهفته است؛ به‌خصوص اقداماتی که کارمندان اداری در جابه‌جایی پرونده‌ها و امور دیگر انجام می‌دهند. اجباری کردن وکیل در پرونده‌های کیفری از راه‌کارهای مهم در کاهش اطالۀ دادرسی است. مهم‌تر از همه سیاست کیفرزدایی، جرم‌زدایی و پیش‌گیری است که نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش حجم پرونده‌ها و در نتیجه اطالۀ دادرسی دارد.

کیفری مانند مجازات زندان، درصدد بازپذیری اجتماعی بزه‌کاران می‌باشد» (نیازپور، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

در خصوص اصلاح مجرمان، باید از دو منظر مورد توجه قرار گیرند. اول اینکه باید به اصلاح مجرمانی توجه داشت که دوران محکومیت خود را در ندامتگاه‌ها گذرانده‌اند و به‌عبارتی محکومانی که به‌موجب حکم محاکم قضایی باید مدتی را در حبس سپری کنند. در این مرحله با برنامه‌ریزی دقیق و اصولی و ایجاد برنامه‌های اصلاحی و نیز تغییرات بنیادی در محیط فیزیکی زندان‌ها می‌توان امکان اصلاح و بازپروری اجتماعی محکومان را فراهم ساخت؛ زیرا هدف از زندان تحمل کیفر نیست. باید به‌منظور اصلاح و بازپروری محکومان برای پیش‌گیری از تکرار جرم، ضمن تشکیل پرونده شخصیت برای آن‌ها، و با طبقه‌بندی زندانیان به آن‌ها آموزش لازم داده شود تا برای ورود مجدد به اجتماع آماده شوند. در این راستا باید زندان‌ها را از حالت سنتی خود خارج کرد و به‌عبارت ساده‌تر همان‌طور که زیانزد خاص و عام است، زندان‌ها از حالت دانشگاه‌های جرم خارج کرد تا به محیطی سالم، اصلاحی و درمانی برای زندانیان مبدل شود.

۵. نتیجه‌گیری

درباره بخش اول پرسش مقاله که به دلایل اطالۀ دادرسی در امور کیفری اختصاص دارد، نتایج نشان داد که عوامل مختلفی در اطالۀ دادرسی تأثیرگذار هستند. عوامل مربوط به قضات، ظابطان دادگستری، قوانین، کارمندان اداری، طرفین دعوا و بوروکراسی اداری از مهم‌ترین این دلایل هستند. درباره قسمت

منابع

فارسی

- خزائی، منوچهر، فرایند کیفری (مجموعه مقالات اعتبار امر مختوم کیفری در دعاوی کیفری)، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷.
- دلاوری، محمدرضا، علل اطالۀ دادرسی و راه کارهای مقابله آن، چاپ اول، تهران، نشر روزنامه کیهان، ۱۳۷۹.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ بیست و ششم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- رایجیان اصلی، مهرداد، «رهیافتی نو به بنیان های نظری پیش گیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، ۶۸ (۴۹-۴۸): ۱۶۸-۱۳۷، ۱۳۸۳.
- رستمی غازانی، امید، «حق برخورداری از وکیل در محاکم کیفری بین المللی»، مجله حقوقی دادگستری، ۷۷ (۸۳): ۸۷-۶۵، ۱۳۹۲.
- رضانی، احمد، «اختیار دادرسی در ارزش یابی ادله (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و مصر)»، رساله دکتری رشتن فقه و حقوق، تهران، دانشگاه شهید مطهری، ۱۳۸۹.
- سامع، علی، علل اطالۀ دادرسی در نظام قضایی و راه های مرتفع نمودن آنها، چاپ اول، تهران، نشر آثار اندیشه، ۱۳۸۵.
- سهراب بیگ، امیر، راه کارهای غلبه بر اطالۀ دادرسی، چاپ اول، تهران، انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۸۰.
- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، چاپ اول، تهران، نشر دراک، ۱۳۹۵.
- آخوندی، محمود، «علل اطالۀ دادرسی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، (۲۷): ۲۲۴-۲۲۶، ۱۳۷۸.
- اسوانس، چارلز چاپلین؛ نیل، سسی تری؛ تو، لئوناردو، تحقیقات جنایی، ترجمه مهدی نجابتی و اصغر شفیعی نیک و رضا پرویزی، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- اصغرزاده بناب، مصطفی، «علل اطاله دادرسی و عوامل مؤثر در ایجاد آن»، نشریه مأوی (۱۶۴): ۳۶-۵، ۱۳۸۲.
- اکرمی، الهام، «جنبش های القا و احیای نظام کیفری و تأثیر آن در حقوق ایران»، مجله تعالی حقوق، ۳ (۲۴-۲۳): ۲۱-۲۲، ۱۳۸۷.
- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- بیگزاده آروق، صفر، «تدوین و گردآوری علمی قوانین»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۰ (۳۸): ۸۹-۱۱۲، ۱۳۸۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هشتم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- خزائی، منوچهر، «بررسی نظری و عملی تسریع آئین دادرسی کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، (۱۹)- ۲۰: ۱۶۸-۱۴۳، ۱۳۷۶.

- صدرزاده افشار، سیدمحسن، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ۱۳۷۹.

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانش‌نامه جرم‌شناسی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

- نیازپور، امیرحسین، «پیش‌گیری از بزه‌کاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیش‌گیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، (۴۹-۴۸): ۱۱۴-۲۱۷، ۱۳۸۳.